

مروری بر توصیه‌های رهبر انقلاب به نمایندگان مجلس

بایسته‌های مجلس انقلابی

بابک نگاهداری

مجلس شورای اسلامی به‌عنوان قوه قانون‌گذار و ناظر بر اجرای قانون و به‌عنوان نهادی که وظیفه «ریل‌گذاری» در راستای تحقق سیاست‌های کلان کشور را بر عهده دارد، و آن گونه که مورد نظر امام‌احل بوده و همواره مورد تأکید رهبر انقلاب است، در «رأس امور» کشور قرار دارد.
فیثنا بر اندازه که مجلس به‌مجلس‌تراز انقلاب اسلامی نزدیک‌تر باشد و هر آن‌قدر که نمایندگان مردم در مجلس، خود را به مبارها و شاخص‌های نماینده انقلابی نزدیک‌تر نمایند، تجلی و ظهور در «رأس امور» بودن مجلس در وضعیت کشور، بارزتر و موثرتر نمود خواهد داشت و تحولات کشور، بیش از پیش به‌سمت پیشرفت و عدالت سوق داده خواهد شد.

رهبر انقلاب در پیام خود به‌مناسبت آغاز مجلس یازدهم، وظیفه رسیدن به این جایگاه مهم را بر عهده آحاد نمایندگان دانستند و بیان داشتند: «آن‌که می‌تواند مجلس را در این جایگاه شایسته بنشاند، شما نمایندگان محترمید». ایشان در ادامه راه رسیدن به این جایگاه مهم و البته موافق و آفات محتمل را در پیش روی نمایندگان قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «آنگاه که نمایندگان مجلس با شناخت درست از شرایط و اولویت‌های کشور، و با کارشناسی، و با حضور فعال و منظم، و با پاک‌دستی و امانت‌داری، وظیفه قانون‌گذاری و دیگر وظایف خود را انجام دهند، مجلس، نقطه امید مردم و نقطه اتکا، مجریان، و به معنی حقیقی، در رأس امور کشور خواهد بود و چنین مجلسی در رساندن کشور به هدف‌های والا، سهم به‌سزا خواهد داشت. آفت عمده، سرگرم شدن نمایندگان به حواشی زیان‌بار، یا وارد کردن انگیزه‌های ناسالم شخصی و جناحی، یا سهل‌انگاری در کار، یا دسته‌بندی‌های احبانا ناسالم قومی و منطقه‌ای و قبیله‌ای و امثال آن است».

در آدوار مختلف مجلس، هر‌گاه نمایندگان این رهنمودها را به‌عنوان خطوط مشی اصلی در انجام وظایف نمایندگی، قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قانون، مدنظر و سرلوحه کار قرار داده‌اند، کشور و برکات قوانین نافذ و اندک‌گزار و نظارت‌های دقیق و مصالحه‌برمند گشته است و مجلس «در رأس امور» بودن خود را به‌خوبی نشان داده است. اما هر‌گاه نمایندگان به آفات مورد اشاره رهبری دچار گشته‌اند، گاهی کسرات جبران‌ناپذیری بر کشور وارد گشته است. در ادامه به تبیین و تشریح راهکارها و آفات مورد اشاره رهبری پرداخته می‌شود:

الف) شناخت درست از شرایط و اولویت‌های کشور

۱. توجه ویژه به سیاست‌های کلان کشور، اسناد بالادستی و منویات رهبری
رهبر انقلاب به‌عنوان راهبر و هدایتگر کشور

بایسته‌های مجلس انقلابی

تقویت نمایندد تا در دام‌های رسانه‌ای و حواشی آن گرفتار نشوند و همواره مسائل مهم و اولویت‌دار کشور را مورد اهتمام قرار دهند.

۲. ارجحیت منافع ملی بر منافع قومی، منطقه‌ای و قبیله‌ای

نمایندگان مجلس هرچند به وسیله مردم از یک حوزه انتخابیه و از یک منطقه انتخاب می‌شوند، اما پس از ورود به مجلس، دیگر نماینده کل کشور خواهند بود و منافع کلان کشور را باید همواره ارجح بر منافع منطقه‌ای، قومی و قبیله‌ای ببینند، زیرا اگر منافع کلان ملی مورد اهتمام باشد، با پیشرفت، رشد و تعالی کشور، تمام شهرها و مناطق کشور رشد و پیشرفت خواهند داشت و اگر با عدم توجه به مسائل کلان، کشور دچار

یکی از آفات مهم در عدم توجه نمایندگان مجلس به اولویت‌های کشور، وارد شدن آنها به حواشی و قرار گرفتن آنها در دام‌های رسانه‌ای است، رسانه‌های معاند و برخی از رسانه‌های داخلی به عمد و برخی دیگر سهوا سعی در تغییر اولویت‌های کشور دارند.



ترادف و تباين آن را با سياست‌های کلان مورد نظر داشته باشند.

۲. تقویت سواد رسانه‌ای به‌منظور جلوگیری از قرار گرفتن در دام‌های رسانه‌ای و حواشی‌که اولویت‌های کشور را وارونه نشان می‌دهند

یکی از آفات مهم در عدم توجه نمایندگان مجلس به اولویت‌های کشور، وارد شدن آنها به حواشی و قرار گرفتن آنها در دام‌های رسانه‌ای است. رسانه‌های معاند و برخی از رسانه‌های داخلی به عمد و برخی دیگر سهوا سعی در تغییر اولویت‌های کشور دارند. این رسانه‌ها مسائل بی‌اهمیت و کم‌اهمیت را بزرگ جلوه می‌دهند

و مسائل مهم را بی‌اهمیت و کوچک و این‌گونه روزها و شاید هفته‌ها کشور و افکار عمومی و متأسفانه در مواردی مسئولین کشور را به خود مشغول می‌نمایند. نمایندگان مجلس همچون دیگر مسئولین کشور باید سواد رسانه‌ای خود را

سیاسی
Siyasi@kayhan.ir



ایشان در دیدار با نمایندگان مجلس در سال ۸۴ می‌فرمایند: «کار کمیسیون‌های تخصصی هم خیلی مهم است. حضور در کمیسیون‌ها، سر وقت در کمیسیون‌ها حاضر شدن، کار کردن، واقعاً مطالعه کردن، پیش مطالعه کردن، لوابج را دیدن، طرح‌ها را سنجیدن، با افرادی که لازم است مشورت شود، مشورت کردن، حتی مباحثه کردن در داخل مجلس قبل از اینکه انسان به مرحله تصمیم‌گیری برسد- چه در کمیسیون و چه در صحن مجلس- لازم است».

۲. توجه به مطالعات و بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس

مرکز پژوهش‌ها به‌عنوان بازوی کارشناسی، مطالعاتی و تحقیقاتی مجلس شورای اسلامی نقش مشورتی بسیار مهمی را می‌تواند در تصویب قوانین و اصلاح آنها و همچنین اولویت‌بخشی به نظارت بر امور اجرایی داشته باشد. سابقه فعالیت این مرکز نشان می‌دهد که مطالعات و تحقیقات با ارزشی

توسط این مرکز انجام شده است. رهبر انقلاب در دیدار تصویری با نمایندگان مجلس یازدهم به اهمیت این مرکز اشاره نمودند و فرمودند: «بکی مرکز پژوهش‌ها است که مرکز کارشناسی است و بسیار مرکز مهمی است؛ از این مرکز به بهترین وجه استفاده کنید. در گذشته هم خوشبختانه موارد زیادی از مرکز پژوهش‌ها خیلی خوب استفاده شده؛ این مرکز گاهی کمک کارشناسی حیاتی به نمایندگان کرده این مرکز، مرکز بسیار مهمی است».

۳. استفاده از نظرات کارشناسان و محققان بیرون از مجلس

در کنار استفاده از ظرفیت مرکز پژوهش‌های مجلس، نمایندگان می‌توانند از ظرفیت عظیم کارشناسان و محققان و مجریان مجرب بهره ببرند. به‌عنوان نمونه در مجلس نهم و در زمان بررسیِ برجام در مجلس و با تشکیل کمیسیون بررسیِ برجام، فرصت مناسبی در اختیار کارشناسان مختلف در راستای تجزیه و تحلیل مفاد این موافقت‌نامه انجام گرفت و نهایتاً این دیدگاه‌ها در گزارش کمیسیون برجام منعکس گردید. قطعاً اگر در آن زمان گزارش کمیسیون برجام مورد توجه بیشتری قرار می‌گرفت، در تصویب برجام دقت عمل بیشتری دیده می‌شد و قانون «اقدام متناسب و متقابل» با ضمانات اجرایی بالاتر و مفاد قوی‌تر به تصویب می‌رسید.

ج) حضور فعال و منظم
یکی از توصیه‌های مورد تأکید رهبر انقلاب به نمایندگان مجلس، حضور فعال و منظم در

جبهه مقاومت و ملت‌های منطقه بیش از هر زمان دیگر به‌ویژه پس از عملیات تروریستی و جنایت بزرگ رئیس‌جمهور آمریکا و فرماندهی تروریستی سنتکام علیه سیهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس از فرماندهان جبهه مقاومت در خاک عراق به وحدت بی‌ظنری جهت اخراج این نیروهای متجاوز از قلمرو کشورهای منطقه رسیدند.

علاوه‌بر آن در پی شکست سیاست آمریکایی‌ها در منطقه از جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت آنچنانکه وزیر دفاع اسبق پنتاگون لئون پانه تا به آن اقرار کرده است، آنها در پی

بانیان ناامنی در زمین و آسمان



از دامن او تولد یافته‌اند این تحرات جنایتکارانه را قانونی اعلام می‌نماید. بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل هرگونه حضور نظامی، اقتصادی، سیاسی و یا دیپلماتیک یک کشور در کشور ثالث باید با موافقت دولت آن کشور صورت پذیرد و در غیر این صورت حضور آنها غیرقانونی و تجاوز محسوب می‌شود.

حضور ارتش تروریستی ایالات متحده آمریکا برخلاف خواست دولت و پارلمان سوریه و عراق و به علت مشکلات و خساراتی که این کشورها از حضور آنها و تروریست‌های دست پرورده اتاق‌های جنگ آمریکایی- صهیونیستی متحمل

شده‌اند با توسل به زور صورت می‌گیرد و گرچه حق پاسخگویی برای آنها محفوظ است اما به علت آشفتگی‌های موجود در این کشورها توان پاسخ مناسب از آنها سلب شده است لکن میرهن است. نکته جالب‌تر از استقرار غیرقانونی آمریکایی‌ها در کشور سوریه و عراق اظهارنظر خلاف واقع مقامات این کشور در خصوص اقدام تحریک‌آمیز و تروریستی علیه هواپیمایی مسافربری ماهان است. دولت ایالات متحده اعلام کرده است این اقدام آنها قانونی و بـرای اطمینان از امنیت نیروهای

صفحه ۷

پنج‌شنبه ۹ مرداد ۱۳۹۹

۹ دی‌الجه ۱۴۴۱ - شماره ۲۲۵۲۶

درس‌هایی که باید از برجام بگیریم

فخرالدین اسدی
محاسبه واقعیت پدیده‌های جاری در هر حوزه‌ای، از جمله حوزه اقتصاد و سیاست خارجی، مهم‌ترین مولفه در تصمیم‌گیری موثر سیاستمداران و حرکت پیش برنده و رو به جلوی یک کشور محسوب می‌شود.در صورتی که میان یک پدیده و تصور ما از آن پدیده تفاوت وجود داشته باشد، شاهد شکل‌گیری خطاهای محاسباتی در رفتارهای خود خواهیم بود. این قاعده درخصوص توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱(برجام) نیز صادق است. با توجه به تحولاتی که طی ۵ سال اخیر و درخصوص توافق هسته‌ای شاهد آن بوده‌ایم، لازم است به این سؤال مهم پاسخ دهیم که «وزن‌دهی نادرست» به برجام، چه تأثیری در محاسبات رفتاری نادرست دولت محترم و متعاقباً، تحمیل هزینه‌های اقتصادی و سیاسی به کشور داشته است. در این خصوص، لازم است آسیب‌شناسی دقیق برجام را مورد توجه قرار دهیم:

آسیب‌شناسی پروسه‌ای که منتج به انعقاد برجام و متعاقباً، خروج آمریکا از این توافق شد، بیش از آنکه مربوط به متن توافق هسته‌ای باشد، معطوف به نوع نگاه کلان، میان‌مدت و کوتاه‌مدتی بود که از سوی دولتمردان ما نسبت به توافق هسته‌ای حاکم بود.اصلی‌ترین خطایی که دولت ترامپ را در خصوص خروج از برجام و اصرار بر بازگشت تحریم‌های یکجانبه کشورمان مصمم ساخت، قرار گرفتن توافق هسته‌ای در «نقطه ثقل» معادلات سیاست خارجی و اقتصاد کشور بود. در آستانه انعقاد توافق هسته‌ای، برخی تحلیلگران هشدار داده بودند که برجام در بهترین وضعیت ممکن، یک «ظرفیت تاکتیکی محدود و قابل تغییر» تلقی می‌شود. با این حال، بزرگمایمی توافق هسته‌ای از سوی دولت و دستگاه سیاست خارجی کشورمان و «ثابت تلقی کردن «آن سبب شد تا یک «ظرفیت محدود و گذرا» تبدیل به یک «مبنای راهبردی» در کشورمان شود.

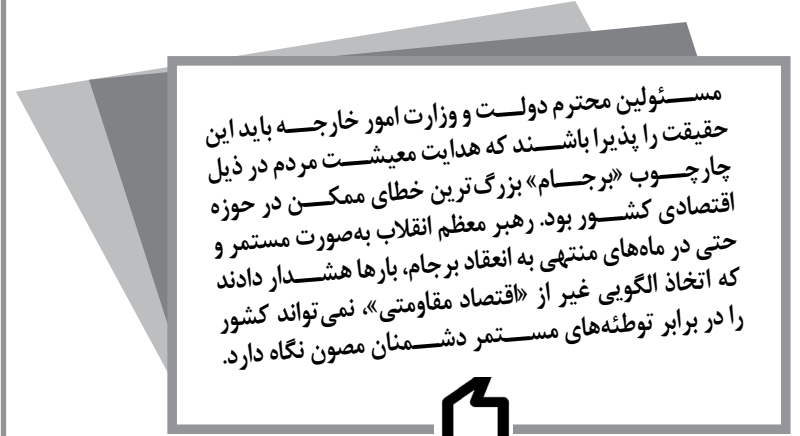
از همان ابتدا محرز بود که برجام نمی‌تواند حکم یک مرکز ثقل (Center of mass) در سیاست خارجی و اقتصاد کشورمان داشته باشد زیرا در محاسبات و معادلات دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی یک کشور، «نقطه ثقل» باید به اندازه‌ای ثابت و محکم باشد که حتی امکان تغییر بالقوه آن نیز وجود نداشته باشد.اکثریت قریب به اتفاق کارشناسان و حتی تحلیلگران غربی معتقد بودند که حتی با وجود امضای سند برجام توسط ایران و اعضای ۵+۱ و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، رئیس‌جمهوری که بعد از اواما بر سر کار



می‌آید، قدرت خروج از توافق هسته‌تای را خواهد داشت. این مسئله با توجه به مواضع سران حزب جمهوری خواهان و سناتورهای مانند «تام کانت»، «تد کروز» و حتی شخص ترامپ که برجام را توافقی فاجعه بار می‌دانست قابل پیش‌بینی بود.

همان زمان مشخص بود که اگر توافق هسته‌ای بخواهد حکم یک مرکز ثقل راهبردی یا حتی «ظرفیت تاکتیکی ثابت» را در سیاست‌های اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی ما پیدا کند،ضرب آسیب‌پذیری کشور در این حوزه‌ها تقویت خواهد شد. با این حال سؤال اصلی اینجاست که چرا دولت «برجام» را دستاوردی بزرگ و تاریخی برای خود دانسته و راه را برای افزایش تصاعدی کذب وزن واقعی آن بازگذاشت؟ بدیهی است که دولت ترامپ اقدام پیچیده و منحصر به فردی در قبال توافق هسته‌ای صورت نداد! متأسفانه کاخ سفید تمرکز خود را بر روی «محاسبات نادرست» دولت ما گذاشت و اتفاق سعی کرد از «بزرگمایمی برجام» در ایران و «نگاه مبنایی نادرست «نسبت به آن، بیشترین استفاده را در اعمال استراتژی فشار حداکثری علیه کشورمان ببرد. بنابراین، مسئله عمده‌ای که باید در آسیب‌شناسی توافق هسته‌ای بیشتر مورد توجه قرار گیرد، «نوع نگاه دولت نسبت به برجام» بود.

مسئولین محترم دولت و وزارت امور خارجه باید این حقیقت را بپذیرا باشند که هدایت معیشت مردم در ذیل چارچوب «برجام» بزرگ‌ترین خفای ممکن در حوزه اقتصادی کشور بود. رهبر معظم انقلاب به‌صورت مستمر و حتی در ماه‌های منتهی به انعقاد برجام، بارها هشدار



دادند که اتخاذ الگوی غیراز «اقتصاد مقاومتی»، نمی‌تواند کشور را در برابر توطئه‌های مستمر دشمنان مصون نگاه دارد. استناد به ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل داخلی در کشور و حتی استخدام ظرفیت‌های خارجی در مسیر تقویت بنیه‌های اقتصاد تولید محور، مواردی بود که تا حدود بسیار زیادی فدای «اقتصاد تحریم محور» به از عبارت بهتر، «اقتصاد برجام محور» شد. نکته دیگر، به آینده برجام و اقتصاد کشور باز می‌گردد. بدون شک، بازتولید یا حتی بازتعریف همان نگاه بازدارنده «تحریم محور» در حوزه اقتصاد و سیاست خارجی، ثمرهای جز تکرار ماجراهای تلخ سال‌های اخیر نخواهد داشت. در حال حاضر، سیگنال‌هایی از سوی حزب دموکرات آمریکا درخصوص «بازگشت مشروط به برجام». آن هم به قیمت پذیرش محدودیت‌های بیشتر از سوی ایران مخابره می‌شود. باید این حقیقت محض را بپذیرفت که حتی اگر در غیرممکن‌ترین وضعیت ممکن، جو بایدن(در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری ماه نوامبر) و بدون هیچ‌گونه پیش شرطی به برجام بازگردد، تا زمانی که نگاه ما نسبت به «توافق هسته‌ای» اصلاح نشود و مسئولین در صداحیای «اقتصاد تحریم محور» قرار گیرند، دوباره شاهد وارد آمدن یک شوک سنگین به معیشت مردم خواهیم بود. آنچه در برهه فعلی سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده محسوب می‌شود، گذار از اقتصاد و سیاست تحریم محور» و تغییر وزن پدیده‌هایی از جمله «برجام» از سوی مسئولین اجرایی کشورمان می‌باشد. در یک جمله کوتاه، لازم است «زمین بازی» تغییر کند.آری! «بازگشت به گذشته» اسفبار خواهد بود! عوارض اصرار بر دیدگاهی که امتحان خود را (به‌صورت مردود شده) پس داده است، دیگر قاعدا تا نباید نمود و جایگاهی در مواضع دولتمردان ما داشته باشد.

در صورتی که «اقتصاد مقاومتی» به مبنا و الگوی ما در حوزه مالی و اعتباری و گردش سرمایه در داخل و خارج از کشور تبدیل شده و هرگونه پدیده قابل تغییر و متزلزلی مانند برجام در ذیل این ساختار تعریف گردد، ضمن بسستن راه نفوذ دشمن خواهیم توانست اقتصاد خود را به‌صورت بنیادین و اصولی با تعریف‌کرده و برنده این رقابت پیچیده با دشمنان قسم خورده انقلاب باشیم. با این حال اگر خداوند تبارک و تعالی هدایت نماید «برجام» دوباره بخواهد محیط بر اقتصاد و سیاست خارجی ما باشد، چشم اندازی برای حل اصولی و بنیادین معضلات جاری در کشور وجود نخواهد داشت. این نوع نگاه بازدارنده، موجب آن می‌شود تا «کشگری پویا» در عرصه اقتصاد و دیپلماسی، جای خود به «واکنشی منفعلانه» بدهد که قطعاً نه تنها ثمرهای برای ملت و نظام نخواهد داشت، بلکه منتج به تحمل هزینه‌هایی سنگین‌تر برای کشور خواهد شد.

